



اجرائی شدن طرح زیست محیطی درختکاری دوبرابر سد کرج آب می خواهد

چالش پول و آب

پیش روی طرح «یک میلیارد درخت»

گزارش

زهراکشوری

دبیر گروه زیست‌بوم

علی تیموری، رئیس سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری، در آستانه روز درختکاری (۱۵ اسفند) آب پاکی را روی دست همگان ریخت و گفت: «درخت موجود زنده‌ای است و برای آنکه بتوان در طول چهار سال یک میلیارد درخت کاشت، هم باید اعتبار داشت هم آب کافی.»؛ همان انتقادی که از ابتدای اعلام کاشت یک میلیارد درخت به این طرح وارد شد. تیموری البته سیاست و برنامه سازمان متبوع خود را کاشت و داشت درخت و اجرای این طرح مردمی عنوان کرد اما گفت به سرانجام رساندن این برنامه نیاز به تجهیزات و امکانات دارد که اعتبار و آب مهم‌ترین پیش‌نیاز آن است.

شروع طرح

طرح کاشت یک میلیارد درخت سال ۱۴۰۲ کلید خورد. آن روز «عباس نوبخت» رئیس

پاسخ به این سؤال که آب مورد نیاز طرح را با توجه به کم‌آبی کشور از کجا تأمین می‌کنید هم دست روی وجود ۱۴۶ هزار رودخانه کشور گذاشت و به «ایران» گفت: «وزارت نیرو گفته است که منابع طبیعی می‌تواند برای اجرای این طرح، از منابع آبی ۱۴۶ هزار رودخانه جاری استفاده کند.» این بخش از حرف‌های او با انتقاد کارشناسان آشنا با منابع آبی کشور روبه‌رو شد. از جمله «حنیف‌رضا گلزار» کارشناس ارشد خاک و آب، گفت: «وزارت نیرو می‌داند که بر اساس داده‌های سال آبی ۱۳۹۴، حجم رواناب‌های سطحی کشور به طور میانگین با کاهش ۴۴ درصدی روبه‌رو شده است. از سال ۱۳۹۴ به این سو نیز کشور جز سال ۱۳۹۸ درگیر خشکسالی‌های گسترده بوده که خشکیدن

زاینده‌رود و بسیاری از رودخانه‌های دائمی دیگر و پر نشدن دریاچه سدهای کشور، خود گواهی بر این مدعاست.» گلزار آمار قابل تأمل دیگری هم داد: «از داده‌های ریز آماری درباره کاهش حجم رواناب‌های سطحی کشور که بگذریم، عدد ۱۴۶ هزار رودخانه‌ای که از شرایط لازم برای تأمین آب مورد نیاز طرح کاشت یک میلیارد درخت برخوردارند نیز محل پرسش و واکاوی است؛ چرا که با استناد به دانشنامه «رودها و رودنامه‌های ایران» که توسط انتشارات «گیئاشناسی» منتشر شده، کل رودخانه‌های فصلی و دائمی کشور ۲۵۰۰ رشته گزارش شده است. با این وصف می‌توان دریافت که شمار رودخانه‌های کشور در این طرح نزدیک به ۶۰ برابر بزرگنمایی شده است!»

گلزار به «ایران» گفته است: «بیان این داده‌ها از سوی سازمان مجری کاشت یک میلیارد نهال و در کنار آن استناد به انجام اقدام‌هایی همانند برخی کشورهای نه‌چندان پیشرو برای توجیه ضرورت این اقدام در کشورمان، از همان ابتدا این اقدام را با چالش‌ها و پرسش‌های زیربنایی روبه‌رو ساخته بود که آیا مطالعه و بررسی همه‌جانبه‌ای برای این کار بزرگ انجام شده یا فقط قرار است به گفت‌وگوهای رسانه‌ای ختم شود؟ با اینکه نزدیک به دو سال از بیان و اقدام عملی در این‌باره می‌گذرد، اما هنوز مقدار آب مورد نیاز برای آبیاری این تعداد نهال، سال‌های آبیاری، مدار آبیاری و مهم‌تر از آن چگونگی فراهم ساختن آب مورد نیاز مشخص نیست و این یکی از مهم‌ترین چالش‌های این اقدام است.» او گفت: «یک برآورد ساده می‌گوید که اگر هر اصله نهال در طول سال به طور میانگین ۲۰۰ لیتر آب نیاز داشته باشد و هر نهال کاشته شده هم در نگاهی خوشبینانه فقط دو سال آبیاری شود، حجم آبی معادل ۴۰۰ میلیون مترمکعب (دو برابر حجم کل سد امیرکبیر کرج)، بر مصرف آب کشور افزوده خواهد شد.»

تیموری:

توانستیم با

زراعت چوب

در سطح

کشور، تولید

نهال‌های

مثمری که از

ناحیه معاونت

باغبانی وزارت

جهاد کشاورزی

داده شده و در

نهایت کاشت

نهال در مراتع

و عرصه‌های

طبیعی، حدود

۲۴۰ میلیون

اصله نهال را

در سطح کشور

تولید کنیم

تیموری:

توانستیم با

زراعت چوب

در سطح

کشور، تولید

نهال‌های

مثمری که از

ناحیه معاونت

باغبانی وزارت

جهاد کشاورزی

داده شده و در

نهایت کاشت

نهال در مراتع

و عرصه‌های

طبیعی، حدود

۲۴۰ میلیون

اصله نهال را

در سطح کشور

تولید کنیم

مردمی یک میلیارد درخت شروع شده، بیش از ۲۰۰ نهالستان در سطح کشور که قبلاً فعال نبودند و کارایی نداشتند برای تولید نهال فعال شده است.» او با استناد به آمارهای استانی در سال ۱۴۰۲ گفت: «توانستیم با زراعت چوب در سطح کشور، تولید نهال‌های مثمری که از ناحیه معاونت باغبانی وزارت جهاد کشاورزی داده شده و در نهایت کاشت نهال در مراتع و عرصه‌های طبیعی، حدود ۲۴۰ میلیون اصله نهال را در سطح کشور تولید کنیم.»

به گفته او، امسال ۱۶۵ میلیون اصله نهال تولید شده که بخش خصوصی و شرکت‌ها در بخش مسئولیت اجتماعی ۵۰ درصد تولید نهال در سال ۱۴۰۳ را به عهده داشته‌اند.

او همچنین اعتقاد دارد که با کاشت یک میلیارد درخت می‌توان سرانه فضای سبز را تغییر داد. تیموری گفت: «سرانه فضای سبز در کشور ۱۷۰۰ متر برای هر نفر است که متوسط دنیا ۵ هزار و ۳۰۰ متر است.

ما در پایان سال ۱۳۸۹ باید سرانه فضای سبز را به ۲۵۰۰ متر می‌رساندیم، اما متأسفانه همان وضعیت سابق را داریم. با پروژه کاشت نهال در کشور می‌توانیم این سرانه را افزایش دهیم، مهم این است که اجرا و پیشبرد این طرح، جزو ارزیابی مدیران ما در سطح کشور است.»

او از تولید ۱۶۵ میلیون اصله نهال در سال ۱۴۰۳ دفاع کرد اما گفت: «ما ظرفیت تولید بیشتر را هم داریم، اما اعتباراتی که در حوزه دولت باید اختصاص یابد بسیار مهم است.» تیموری حرف آخر را هم زد و گفت: «در سال گذشته ۴ درصد از اعتبار ۹۰ میلیارد تومانی را به ما اختصاص دادند.»

ایستگاه بی‌پولی

سازمان منابع طبیعی در همه این دهه‌ها در ایستگاه بی‌پولی متوقف مانده است؛ سازمانی که اعتبار سالانه آن کمتر از اعتبار ساخت یک سد است که آن اعتبار هم معمولاً صرف پرداخت حقوق کارکنانش می‌شود. تفاوت دیگری هم با سدسازی و پروژه‌های انتقال آب دارد؛ طرح‌های آبخیزداری، آبخوان‌داری و درختکاری طرح‌های کوچکی است با درآمد کم. بنابراین پیمانکاران سدسازی را به آبخیزداری و آبخوان‌داری ترجیح می‌دهند. هرچند مدیران این طرح همواره یادآوری کرده‌اند که باید شرایط اقتصادی دولت را هم در نظر گرفت اما همه چیز شرایط اقتصادی دولت نیست.



رویشگاه های جنگلی را نباید به اسم پیشگیری از حریق حذف کرد

درختان شکسته؛ متهم آتش سوزی یا بهانه چوب‌بری؟

گزارش

امیدسجادیان

عضو شورای هماهنگی شبکه تشکل های محیط زیست و منابع طبیعی کشور

این روزها بحث برداشت درخت‌های شکسته در جنگل داغ است. موافقان دلایل زیادی مطرح می‌کنند، در مقابل کنشگران و پژوهشگران این حوزه هم دلایل زیادی برای مخالفت دارند. یکی از موضوعاتی که موافقان طرح تأکید زیادی روی آن دارند، جلوگیری از آتش‌سوزی‌های جنگل‌های شمال کشور است. چهار سال فعالیت در حوزه اطفای حریق در قالب یک برنامه ملی و مردمی یک موضوع را به روشن‌ترین شکل ممکن نشان داد. یکی از خروجی‌های کارگاه‌های مشارکتی با ذینفعان مختلف این موضوع بود که هر معضلی، افرادی دخیل و ذینفع دارد که گاهی یک چرخه را تشکیل می‌دهند، چرخه‌ای ناخواسته ولی کارآمد.

فرقی نمی‌کند بحث درختان افتاده در جنگل‌های شمال باشد یا بهانه سدسازی و انتقال بین‌حوزه‌ای باشد. برای مثال در موضوع تبدیل بلوط‌های زاگرس به زال، شوتی‌های حمل چوب، واسطه‌های خرید زال، کارگاه‌های تولید زال، مصرف‌کننده‌های شخصی، رستوران‌ها، کافه‌ها، کبابی‌ها تا دیگر مجالس همه و همه جزئی از این چرخه هستند، چرخه‌ای باآورد مالی و تقاضای زیاد. بنابراین نمی‌شود که اینجا درخت را مقصر دانست که به زال تبدیل می‌شود، یا درختان شکسته در جنگل را متهم آتش‌سوزی‌ها کرد. باید دید منفعت این برنامه‌ها به جیب چه کسی می‌رود. حالا هم یکی از توجهیات طرح جمع‌آوری چوب‌های کف جنگل، جلوگیری از آتش است. در حالی که چوب‌های شکسته جزئی از اکوسیستم است و باید در جنگل باشد؛ این موضوعی است که کارشناسان جنگل درباره آن حرف زدند و نوشتند، ولی ارتباط دادن آن به آتش‌سوزی، به همان ذینفع بودن برمی‌گردد.

ماده سوختنی

آتش‌سوزی‌های جنگل و مراتع، تعاریف خود را دارند. چوب‌های شکسته در جنگل یعنی رزدای انسان و چوب ماده سوختنی، ماده سوختنی چه نقشی در آتش‌سوزی‌ها دارد؟ به زبان ساده، هر آتش‌سوزی برای شروع به سه عنصر نیاز دارد که مثلث آتش نام دارد. ماده سوختنی، اکسیژن و حرارت. در صورت وجود این سه عنصر ریسک آتش‌سوزی وجود دارد، ولی برای شروع آن باید عامل انسانی باشد. عامل انسانی، یعنی کسی یا چیزی



سوختنی به هر ماده آلی چه خشک و چه تر که در زمین، زیر زمین یا در هوا باشد، مشتعل شود و بسوزد، گفته می‌شود. باید به‌خاطر داشت که سوختنی، یک ضلع از مثلث آتش را تشکیل می‌دهد. لازم است ویژگی‌ها و خصوصیات دقیق ماده سوختنی را دانست.

اندازه ماده سوختنی نقش مهمی در میزان آتش گرفتن دارد. قطعات بزرگ‌تر معمولاً کمتر از قطعات کوچک‌تر قابل اشتعال هستند، زیرا سطح کمتری دارند. ماده سوختنی دو دسته هستند؛ ماده سوختنی سبک (ظریف)، ترکه‌ها، برگ‌ها، چمن، شاخه‌های کوچک، سوزن‌های کاج و غیره. ماده سوختنی سبک، رطوبت را به‌سرعت جذب می‌کنند و به‌سرعت بیرون

آتچه‌جنگل‌ها

و مراتع از آن

رنج می‌برد،

بی‌برنامگی

است نه‌درختان

افتاده‌وشکسته.

برنامه‌ها‌باید

اجرائی‌باشد.

اگر‌بخت

درختان‌افتاده

در‌هیرکانی

آتش‌سوزی

است، که

به‌درختان

ربطی‌ندارد، به

عامل‌انسانی

آتش‌سوزی‌ربط

دارد

به سرعتی اطلاق می‌شود که آتش در یک منطقه پیشروی می‌کند و گسترش می‌یابد. نرخ گسترش آتش در جنگل به عواملی مانند مقدار ماده سوختنی، رطوبت ماده سوختنی، نوع و پراکندگی آن، جهت و سرعت وزش باد، شیب زمین و شرایط جوی بستگی دارند.

این یک تعریف از ماده سوختنی است، آیا می‌توان تمامی مواد سوختنی را حذف کرد؟ نمی‌توان که کل جنگل‌ها را به بهانه اطفای از ماده سوختنی جمع کرد. این به استدلالی است که وجود دارد؛ ماده سوختنی در جنگل‌ها، بخصوص درختان و کنده‌های شکسته، ارزش‌های متعددی دارند که فراتر از نقش آنها در آتش‌سوزی است. این مواد به‌عنوان زیستگاه و پناهگاه برای بسیاری از جانوران، حشرات و پرندگان عمل کرده و زیستگاهی امن برای تخم‌گذاری، خواب و تغذیه فراهم می‌کنند. همچنین، این مواد می‌توانند رطوبت خاک را حفظ و از تبخیر سریع آن جلوگیری کرده و به افزایش حاصلخیزی خاک کمک کنند. فرآیند تجزیه این مواد به خاک بازگشت مواد آلی موردنیاز گیاهان به خاک منجر می‌شود که رشد گیاهان جدید را تسهیل می‌کند. این مواد نیز به تثبیت خاک و جلوگیری از فرسایش آن کمک می‌کند. به‌طور کلی، کنده‌ها و الوارهای درخت جنگل‌ها به حفظ تنوع زیستی و پایداری اکوسیستم جنگل‌ها کمک می‌کند و نشان می‌دهد که این مواد علاوه بر خطر آتش‌سوزی، ارزش‌های حیاتی برای محیط‌زیست دارند.

ماده سوختنی دلیل آتش‌سوزی نیست، باید عامل انسانی برای شروع حریق به آن اضافه شود. باید دلایل آتش‌سوزی جنگل‌ها و مراتع بررسی شود و براساس آن، راهکارهای مبتنی بر نقش تمام گروه‌هایی که در ایجاد آتش‌سوزی دست دارند، مشخص شود.

آتش‌سوزی عامل انسانی دارد که با سهوی یا عمدی است، البته آتش‌سوزی‌های طبیعی هم وجود دارد که درصد آن ناچیز است. آن جایی که سهوی است، باید دلایل بررسی شود و با برنامه‌های پیشگیری این آتش‌سوزی‌ها کاهش یابد. با استفاده از سامانه ماهواره‌ای و پهنا‌بندی باید نقاط پرخطر بررسی و برنامه‌های پیشگیری اجرا شود و آنجا که نیاز به رفع تعارض است، برطرف شود. اگر زمین‌خواری دلیل آتش‌سوزی است، نظارت، تقویت و برخورد صورت گیرد. آتش‌سوزی جزئی از اکوسیستم جنگل و جدایی‌ناپذیر است. سکونتگاه‌های ما در جنگل‌ها و نزدیک مرز اراضی ملی قرار دارد. جاده‌های ارتباطی در دل جنگل‌ها، زمینه‌حضور گردشگر را مهیا کرده است. هر کسی یا هر نیتی می‌تواند به عمق جنگل‌های ما برسد. قاچاق چوب، گردشگر، یک کبریّت و … می‌تواند در فصل آتش‌سوزی، منطقه را دچار حریق کند.

آتچه جنگل‌ها و مراتع از آن رنج می‌برند، بی‌برنامگی است نه درختان افتاده و شکسته. برنامه‌ریزی‌ها باید اجرایی باشد. اگر بحث درختان افتاده در هیرکانی آتش‌سوزی است که به درختان ربطی ندارد، به عامل انسانی آتش‌سوزی ربط ندارد. اطفای حریق نیاز به یک برنامه کلی در همه حوزه‌ها دارد، ولی متأسفانه فرصت طلایی این برنامه‌ریزی‌ها در فصل سرد سال که آتش‌سوزی‌ها کاهش پیدا کرده است، از بین می‌رود. با وجود تجربه موفقی که در تدوین یک برنامه ملی برای کاهش آتش‌سوزی‌ها داشتیم در پیگیری‌ها یا بی‌انگیزگی سازمان‌ها برای بحث‌های پیشگیری مواجه می‌شویم. تمام اقدامات تنها به فصل آتش‌سوزی، زمان آتش‌سوزی و اطفای حریق خلاصه می‌شود؛ بدون برنامه مشخص، آموزش و تجهیزات مناسب.